

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌سان سبز
تلفن: ۶۶۲۶۵۰۰۷ -۰۹۱۲۳۵۸۳۲۹۳ • چاپ: مصمیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۲ • ۱۳ شوال ۱۴۴۴ • ۴ می ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۴۵ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۱ • اذان مغرب ۱۹:۱۳
اذان صبح فردا ۳:۳۴ • طلوع آفتاب ۵:۰۹

شرق

دیالوگ روز

تلماسه دنی ویلنو-۲۰۲۱

مادر موهیام (شارلوت رمپلینگ) پاول (تیموتی شالوم): حیوانی که در تله گرفتار شده است برای فرار، پای خود را می‌جود. تو چه خواهی کرد؟

هنگامی که ضرورت به وجود بیاید باید بجنگی،

مهم این نیست که حالش را داشته باشی یا نداشته باشی.

مهم این نیست که بترسی یا نترسی

باید بجنگی!

روزها

هدف قراردادان حقیقت و حقیقت‌گویان را متوقف کنید

کوترش ادامه داد: «ما با تمرکز فرآینده صنعت رسانه در دستان معدود، سقوط مالی تعداد زیادی از سازمان‌های خبری مستقل و افزایش قوانین و مقررات ملی محدودکننده خبرنگاران، افزایش سانسور و تهدید در مقابل آزادی بیان مواجه هستیم».

دبیر کل سازمان ملل تشریح کرد: «در همین حال، روزنامه‌نگاران و کارمندان رسانه‌ها به‌طور مستقیم در داخل و خارج از محیط کار خود هدف قرار می‌گیرند. خبرنگاران به‌طور معمول مورد آزار و اذیت، ارباب و بازداشت قرار گرفته و زندانی می‌شوند. دست‌کم ۶۷ خبرنگار در سال ۲۰۲۲ کشته شدند که افزایش باورنکردنی ۵۰ درصدی نسبت به سال قبل داشته است. نزدیک به سه‌چهارم زنان روزنامه‌نگار خشونت در فضای مجازی را تجربه کرده‌اند و از هر چهار نفر یک نفر مورد تهدید فیزیکی قرار گرفته است».

وی افزود: «در روز جهانی آزادی مطبوعات، جهان باید با یک صدا صحبت کند و بگوید: تهدیدات و حملات را متوقف کنید. بازداشت و زندانی‌کردن روزنامه‌نگاران به دلیل انجام وظایفشان را متوقف کنید. دست از انتشار دروغ و اطلاعات نادرست بردارید. هدف قراردادان حقیقت و حقیقت‌گویان را متوقف کنید. روزنامه‌نگاران از حقیقت دفاع می‌کنند و جهان در کنار آنها می‌ایستد».

طرح کوله کتاب حامی برای توسعه و ترویج مطالعه در دور افتاده‌ترین مناطق کشور

"انجمن حمایت از توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی حامی" با هدف توسعه و ترویج فرهنگ کتابخوانی و مطالعه در مناطق محروم و دور افتاده کشور طرح کوله کتاب حامی را راه‌اندازی کرد تا از کودکان کم‌برخوردار دورترین روستاهای ایران حمایت کند.



کوله کتاب حامی

برای کودکان کم‌برخوردار ایران‌زمین

من یک حامی هستم
پرداخت با موبایل # ۱۳۸ * ۴ * ۷۳۳۳ *
hamiassociation.org
@hami-association
Tel: ۰۲۱-۸۸۸۳۰۱۷۷
انجمن حامی حمایت از توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی





● مجسمه برنزی سعدی که با احتساب پایه سنگی ۴ متری ۲/۷ متر ارتفاع دارد در تقاطع خیابان انقلاب و سعدی رونمایی شد. عکس: امیرحسین جام‌بزرگ، آنا

شکوه عدلیه

وزرای پیشین راه و شهرسازی به عنوان کارشناس رسمی دادگستری تعیین شده بود. روزی به اتفاق از شمال تهران به سمت بازار حرکت می‌کردیم که خودرو از خیابان بهارستان عبور کرد. ساختمان جدید مجلس شورای اسلامی را به این وزیر پیشین و کارشناس و استاد معماری کنونی نشان دادم و پرسیدم این سازه که بیشتر شبیه اهرام مصر است، با کدام‌پیک از اصول معماری ایرانی-اسلامی سنخیت دارد؟ او در پاسخ گفت: «حالا مگر کدام کارامان روی اصول است!». کافی است بدانیم مجالس نمایندگان در دو کشور آمریکا و انگلستان در محلی برگزار می‌شود که قرن‌ها قدمت دارد و هنوز از همان ساختمان و حتی صندلی‌ها برای حفظ روح تاریخی و عظمت مجالس استفاده می‌شود. حتی رنگ‌ها که جنبه نمادین دارد، به ندرت تغییر می‌کنند. متأسفانه به راحتی محل اولیه مجلس شورای ملی به حال خود رها شد و حتی از ساختمان مجلس سنای سابق که مجالس اول تا ششم پس از انقلاب در آن برگزار می‌شد، دیگر برای مجلس استفاده نمی‌شود. نمونه دیگر تغییر ساختمان دادگستری، کوچ دیوان عدالت اداری از خیابان بهشت در جنوب تهران به حوالی میدان عدل در شمال تهران است. جدای از معماری، نحوه استفاده از همین ساختمان‌ها نیز محل انتقاد است؛ وجود فروشگاه محصولات چرمی در طبقه هم‌فک بیشتر مجتمع‌های قضائی تهران یادگه‌های فروش تنقلات کنار ورودی این دادسراها بسیار تأسف‌بار است. ای کاش به جای ایجاد ساختمان مدرن برای دادگاه‌های تجدیدنظر، با حفظ و توسعه منطقی کاخ دادگستری، این نماد تاریخی عدلیه همچنان حفظ می‌شد.

دلیل ارزش و اهمیت تاریخی، در سال ۱۳۸۴ با نام «ساختمان دادگستری کل کشور» در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. بر روی دیوار کاخ دو تندیس «فرشته» عدالت اثر استاد ابوالحسن صدیقی و «نوشیروان دادگر» اثر استاد غلامرضا رحیم‌زاده جلوه خاصی به ساختمان داده و از این دو تندیس به عنوان طرح روی جلد بسیاری از کتاب‌های حقوقی استفاده شده است. هرچند ممکن است جابه‌جایی ساختمان‌ها به دلیل محدودیت فضا اجتناب‌ناپذیر باشد، نکته‌ای که نباید مورد غفلت قرار گیرد، ازبین‌رفتن تاریخ و روح این ساختمان‌های قدیمی است. اگرچه محل جدید دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (که مشخص نیست به چه دلیل برای آن نام «مجتمع قضائی غدیر» در نظر گرفته شده، در حالی که عنوان مجتمع قضائی به شکل مرسوم برای مجموعه دادگاه‌های نخستین به کار می‌رود) به دلیل گستردگی فضا، امکان تشکیل شعب بیشتری دارد، اما این جابه‌جایی ابهت و اعتبار دادگستری را مخدوش می‌کند.
بماند که ساختمان جدید در کنار یک خیابان عادی و پ بدون رعایت حریم از مناطق تجاری و مسکونی ساخته شده و اگر تابلوی قوه قضائیه از بالای آن برداشته شود، کمتر کسی احتمال می‌دهد این مکان مربوط به دادگستری باشد. همان‌گونه که در و دیوار کاخ دادگستری به این تشکیلات اعتبار و ابهت می‌دهد، جادادن شعب در ساختمان‌های معمولی و بدون کمترین توجه به معماری ایرانی-اسلامی، در ذهنیت مردم مؤثر است. صرف نוקردن ساختمان استفاده از ابزار مدرن، نمی‌تواند کارآمدی بیشتری ایجاد کند. در پرونده‌ای که سال‌ها قبل وکالت ملکی را در محدوده بازار تهران بر عهده داشتیم، یکی از



امیراهیم ابویبی
وکیل دادگستری

«در تلاش هستیم برای افزایش اتقان آرا و کیفیت آرا و به لحاظ کم‌کردن حجم کار، تعداد ۱۵ شعبه دیگر در محاکم تجدیدنظر استان فعال شوند و در آینده‌ای نزدیک این اقدام عملی خواهد شد». این جملات بخشی از سخنان رئیس کل دادگستری استان تهران در مراسم معارفه سرپرست جدید دادگاه‌های تجدیدنظر است. با افزوده‌شدن ۱۵ شعبه دیگر، تعداد شعب دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران به حدود صد شعبه خواهد رسید. این رقم در تاریخ دادگستری بی‌سابقه بوده و یحتمل نشان‌دهنده گسترش دعاوی و میزان بالای عدم بذیرش آرای صادرشده در مرحله نخستین توسط دادباخته است. البته این موضوع دلیلی شد برای بیان تغییر ساختمان‌های دادگستری. چندین سال پیش به دلیل محدودیت فضا، پس از نزدیک به ۸۰ سال محاکم تجدیدنظر استان تهران از ساختمان کاخ دادگستری به ساختمانی نوساز در محدوده میدان هروی انتقال یافت. کسانی که از خیابان خیام در جنوب تهران عبور کرده‌اند، حتما ساختمان زیبا و باشکوه کاخ دادگستری را دیده‌اند. ساخت این بنا در سال ۱۳۱۷ آغاز و پس از مدتی توقف به دلیل جنگ جهانی دوم، سرانجام در سال ۱۳۲۵ به پایان رسید و با حضور نخست‌وزیر وقت (قوام‌السلطنه) افتتاح شد. این بنا توسط معماری ارمنی به نام کابریل گورکیان طراحی شده و به

شاهنامه‌خوانی

آخرین سپارش‌های خسرو

دیگری به نام «عروس» را که کاووس در شهر توس به جای گذارده بود، به گودرز سپرد و به او فرمان داد آن را به زال و کیو و رستم ببخشد. تمام جنگ‌افزارهای خویش را به کیو، جامه‌هایش را به رستم و به توس سپهبد نیز گردن‌بندی زرین آراسته به یاقوت رخشان داد و دو انگشتری که نام شاه بر آنها نوشته شده بود و در همه گیتی چون آنها یافت نمی‌شد، به بیژن بخشید و او را گفت که جز تخم نیکی نکارد و دیگر ایرانیان را گفت آنچه در توان من است، از من بخواهید از شما دریغ نخواهم داشت. بزرگان ایران از این رفتار شاه زار و گریان شدند و گفتند: «ای شه‌ریار، این تاج به چه کسی خواهد رسید که شایستگی آن را داشته باشد که تنها شایان تو است». آن‌گاه زال زمین ادب بوسید و بر پای خاست و گفت شه‌ریار ایران نیک‌تر می‌داند هم رستم برای ایران چه کرده است و گوشه‌هایی از خدمات او را برشمرد. شه‌ریار پاسخ گفت: «نزد ما رنج و تیمار رستم بسیار فراتر از آن است که می‌گویی، تنها کردگار سپهر می‌داند او شه‌ریاران ایران را تا چه مایه تیمار کرده». و فرمان داد تا دبیر را فراخواند و در نوشته‌ای، کشور نيمروز را به او سپرد و مهر خود را بر آن نوشته گذارد و آن‌گاه ستاره‌شناسانی از سیم و زر بخشید که به همراه زال به بارگاه آمده، رنج سفر را بر خود هموار کرده بودند. سپس گودرز جهان‌دیده از جای برخاست و گفت: «چون تو شه‌ریاری یا بخت پیروز ندیده‌ام؛ از روزگار منوچهر تا کیکاویا و از کاووس تا روزگار شه‌ریار فرخ‌نژاد همواره کمر بسته و یک روز هم برای خود آرام نداشته‌ام، هفتاد و هشت فرزند و نواذه از دست داده‌ام و تنها هشت فرزند و نواذه برابیم به جای مانده. همین کیو بیداردل به مدت هفت سال در توران زمین بی‌خورد و خوراک و بی‌همسر و همال بماند تا شه‌ریار ایران را بیافت و به ایران آورد. اکنون که پادشاه از اورنگ شاهی سیر گشته، او به نیکی و مهر شاه چشم دارد». خسرو پاسخ داد: «آنچه گیو کرده، بسیار بیش از آن است که برشمرده ششود». آن‌گاه

فرمان داد قم و اصفهان را به او سپردند و دیگران را سپارش کرد مبادا کمترین آسیبی بر او آید و رنجشی بر دل گیرد که گیو یادگار اوست و از همه خواست او را فرمان برند. چون گودرز بنشست، توس بر پای شد و گفت: «شه‌ریار، آرزو می‌کنم همراه انوشه و جاودان بمانی؛ از روزگار جوانی نزد ایرانیان کمر بسته‌ام و هرگز نکشوده‌ام». و کارهایی را برشمرد که برای ایران و برای نگاهداشت ایران از کزند دشمن کرده بود و سرانجام گفت اکنون که شه‌ریار ایران از اورنگ شه‌ریاری سیر گشته، او را چه خواهد بخشید. خسرو، خراسان را با نوسته‌ای به مهر زرین، به توس سپرد و چون از کار بزرگان پداخته شد، از میان مهتران تنها لهراسب بی‌هیچ پیشکشی به جای ماند و به بیژن گفت لهراسب را بسیار بزرگ دارد و او را به درگاه شاه فراخواند و چون شاه، لهراسب را بدید، از تخت خویش برخاسته، پای بر زمین نهاده، او را در بر گرفت و پادشاهی ایران‌زمین را به او سپرد و گفت: «این تاج نو بر تو فرخنده باشد و جهان سر به سر پیش تو بنده». و به او سپارش کرد از این پس زبان جز به داد و خرد مگرداند و دیو را با روان خویش آشنا نکند. ایرانیان چون گزینش شاه را بدیدند، شگفت‌زده شدند و هر یک چون شیر زبان برآفتند که چگونه توانند لهراسب را شاه خوانند. از میان آن انجمن، زال به پای خاست و آنچه در دل داشت بر زبان آورد و گفت: «ای شه‌ریار بلندجاه و والا‌ندیش، آخر چگونه خاک را از جرمند می‌سازی و لهراسب را شاه می‌خوانی؟! چه کسی می‌تواند او را شاه بخواند، چگونه می‌توان از بیداد، داد آرزو کرد؟! زمانی که لهراسب به نزد زرسب آمد، او را فرومایه‌ای با یک اسب دیدم، چرا از میان بزرگان خسرونژاد یاد کس دیگری بر دل شاه نیامده است؟ نه نژاد لهراسب را کسی می‌شناسد و نه از او هنر تاجوری دیده‌ایم». با این سخن، پهلوانان و مهان درگاه خسرو خروش برآوردند که از این پس برای چنین شاهی کمر ببندند.